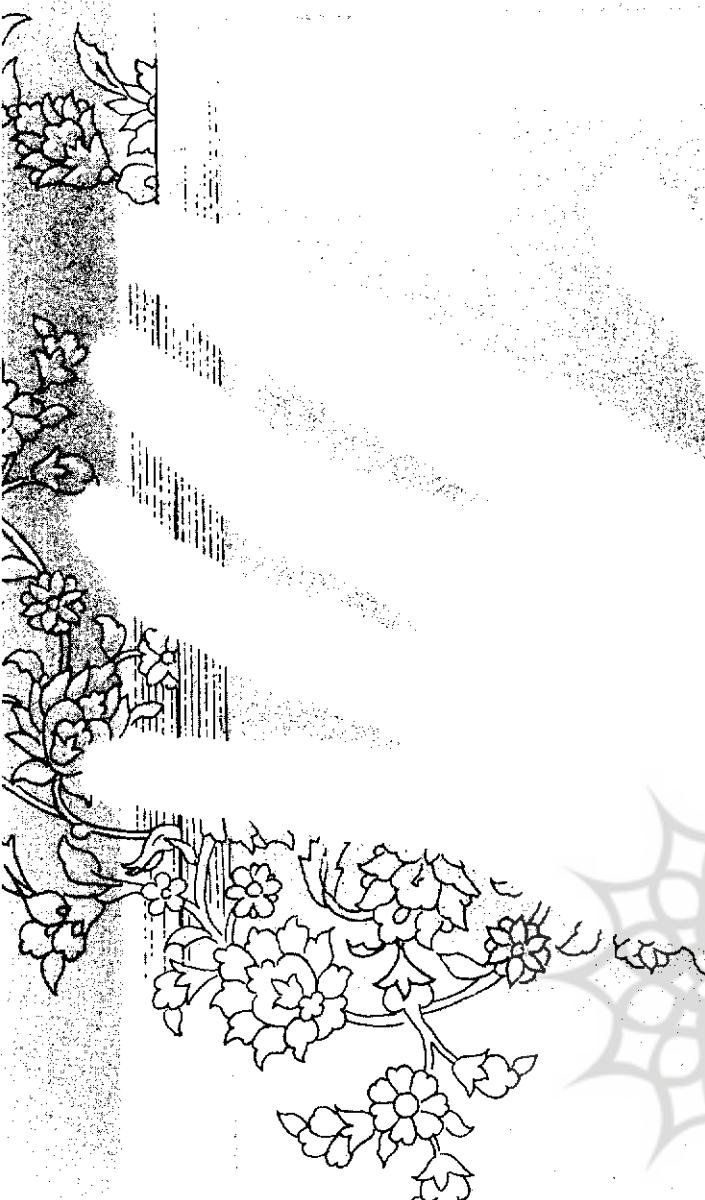


اعجاز قرآن

دکتر محمد علوی مقدم



پژوهش‌های علمی و فلسفی در قرآن

اسرار قرآنی، برای همگان فراهم نبود و همگان نمی توانستند به زیباییها و محسنات و اسرار قرآنی پی ببرند و به همین جهت برخی از دانشمندان بر آن شدند تا برای شناخت نکات قرآنی و اسرار زیباییهای این کتاب بزرگ، کتاب بنویسند.

هدف اساسی آنان، بیان خصائص اسلوب و سر بلاغت قرآن و اعجاز آن و تأثیرش در نفوس و اذهان بود؛ مثلاً قراء - متوقفاً به سال ۲۰۷ هجری - کتاب معانی القرآن را نوشت و کلمات را از جنبه لغوی مورد بحث قرار داد و به ترکیب و اعراب کلمات توجه کرد و گاه از انواع فنون بدیعی و زیباییهای لفظی و معنوی کلمات هم غفلت نورزید، از تشبیهات قرآنی سخن گفت و به مناسبت از مجاز و استعاره بحث کرد و حتی گاه از هماهنگی الفاظ قرآنی و نظم و ترتیب کلمات ربّانی و اثر آنها در جان و روح شنونده سخن گفت.^۲

ابوعبیده مَعْمَر بن مَثْنَى - متوقفاً به سال ۲۰۹ یا ۲۱۰ هجری - نیز کتاب مجاز القرآن را نوشت؛ با آنکه مجاز در نظر او از مقوله مجاز در علم بلاغت نبود^۳ و به معنای تفسیر الفاظ قرآنی و همان چیزی است که ما را به درک الفاظ قرآنی راهنمایی می کند، و در واقع معنای کلمات را برای ما باز می گوید؛ مع ذلك هدف اصلی او از

دانشمندان بلاغت و کلام درباره اعجاز قرآن نظریه های مختلفی ابراز کرده اند، برخی گویند: معجزه بودن قرآن به جهت درجه فصاحت و بلاغت خاص و خارج از حدود متعارف آن است. بعضی دیگر قرآن را از آن جهت معجزه می دانند که از ترتیب و نظم خاصی برخوردار است، و گروهی قرآن را بدان جهت معجزه می شناسند که با وجود توانایی مردمان به آوردن مثل قرآن، خداوند آنان را از این کار منصرف می کند. بعضی هم معجزه بودن آن را نتیجه صدق و حقیقت اندیشه و دوام و بقای آن و سازگاریهای آن با عقل دانسته اند.

اینک برای بهتر روشن شدن مطلب، به بحث تفصیلی درباره اعجاز قرآن می پردازیم:

قرآن مجید، کلام خداست و معجزه و دلیلی است بر صدق نبوت پیامبر اکرم (ص) و از فصاحت خاصی برخوردار است و در مقام تحلیلی و نظییره گویسی بدان، کسی نمی تواند همانند آن، سخنی عرضه نماید و نظم شگفت آور و إعجاب آمیز آن، همگان را بهوت و متحیر ساخته و به شگفتی وا داشته است.^۱

در قرون اولیه هجری به علت اختلاط عرب با غیر عرب، درک

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: دکتر محمد زغلول سلام اثر القرآن فی تطوّر النقد العربي، دارالمعارف بمصر، الطبعة الثالثة، ص ۸.

۲- ابو زکریا یحیی بن زیاد فرّاء، معانی القرآن، تحقیق از: دکتر عبدالفتاح اسماعیل شلی - استاد علی النجدی ناصف، چاپ الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۷۲م، ج ۳، صص ۱۶ و ۶۹.

۳- اول من عرف الله يتكلم بلفظ المجاز ابو عبیده معمّر بن المثنّى و لكنّه لم یقرّ بالمجاز ما هو قسم الحقیقة و اما عین بمجاز الآية ما یعبّر عن الآية.

رک: ابن تیمیة کتاب الايمان ص ۵۲.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اصل سخن جاحظ در این باره چنین است:

«و كيف خالفت القرآن جميع الكلام الموزون و المشور، و هو المشور غير مقفی علی مخارج الاشعار و الاسجاع، و كيف صار نظمه من اعظم البراهین و صار تألیفه من اكبر الحجج»^۴.
این قتیبه - متوفایه سال ۲۷۶ هجری - کتاب تأویل مشکل القرآن را برای ردّ بر طاعنان قرآن نوشت و در واقع انگیزه تألیف او از کتاب مزبور، پاسخ به اشکالاتی بود که طاعنان بر قرآن ابراز می کردند؛ لیکن او در لا به لای مسائل نوشت که قرآن کتابی است که معنای کثیر را در الفاظ کمی بیان کرده و بلاغت قرآن، مربوط به تألیف و نظم و سلاست معانی و عذوبت الفاظ و تأثیرش در اذهان است.

زجاج مفسر و دانشمند علم نحو در قرن سوم هجری که اندکی از سالهای قرن چهارم را نیز درک کرد و در سال ۲۸۵ هجری به نوشتن کتاب معانی القرآن و اعرابه دست یازید و در سال ۳۰۱ هجری؛ یعنی پس از شانزده سال آن را به پایان رساند، عقیده داشت که قرآن معجزه است؛ به دلیل اینکه پیامبر اکرم (ص) اهل کتاب را به نظیره گویی فرا خواند و از آنان تحدی جست و با اینکه اُمّی بود و کتب پیشینیان را نخوانده بود و نزد معلمی هم نرفته بود تا

نوشتن این کتاب، بیان فنون بدیعی و زیبایی های اسلوب قرآنی بود و در ضمن آن از برخی مطالب بلاغی هم سخن گفته است.

جاحظ بصری - متوفایه سال ۲۵۵ هجری - در نظم قرآن و اسلوب شگفت آور آن، کتابی نوشته است به اسم نظم القرآن و در زیر آن از وجوه اعجاز و اسرار شگفتی های قرآن بحث کرده و زیباییها و محسنات کلام خدا را با کلام عرب مقایسه کرده و برتری آن را ثابت نموده است. متأسفانه این کتاب از میان رفته و به دست ما نرسیده است؛ ولی جاحظ خود در کتاب الحیوان در بحث از ایجاز، از این کتاب اسم برده و گفته است:

«ولی کتاب جمع فی آباء من القرآن لتعرف بها ما بین الایجاز و الحذف بین الزوائد و الفضول و الاستعارات، فاذا قرأتها رأیت فضلها فی الایجاز و الجمع للمعانی الکثیرة بالالفاظ القلیلة فمنها...»^۴

ابن الندیم نیز در کتاب الفهرست - مؤلف به سال ۳۷۷ هجری - در فصلی کتب تألیف شده در باب قرآن، از کتاب نظم القرآن جاحظ اسم برده است.^۵

جاحظ، اعجاز قرآن را در نظم و اسلوب شگفت آور آن دانسته که با اسلوب و روش خاص کلام منظوم و مشور عرب مباین است.

۴- رک: ابو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ، الحیوان، تحقیق از: فوزی عطوی، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ هـ، ۱۹۷۸ م، بیروت، ۳ / ۴۲۸.

۵- ابن الندیم، الفهرست، بیروت، نشر دارالمعرفة، ص ۵۷، و نیز رجوع شود به: الفهرست، چاپ رضا تجدد، ص ۴۱.

۶- ابو عثمان عمرو بن بحر الجاحظ، البیان والتبیین، چاپ عبدالسلام محمد هارون، مصر، مكتبة الخانجي، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م، چهار جلد در ۲ مجلد، ج ۱، ص ۳۸۳.

۷- ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه، تلویل مشکل القرآن، شرح و تنقیح از: السید احمد ضمر، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳ هـ - ۱۹۷۳ م، دار التراث، قاهره، ص ۲۲.

۸- رک: زجاج، معانی القرآن و إعرابه، مقدمه از دکتر عبدالجلیل عبده شلی، ص ۵، بیروت.

۹- رک: تاریخ آداب العرب، مصطفی صادق الرافعی، الطبعة الثانية، دارالکتب العربی، ۱۳۹۴ هـ - ۱۹۷۴، در ۳ مجلد، ج ۲، ص ۱۵۲.

۱۰- رک: الندیم، الفهرست، تحقیق از: رضا تجدد، ص ۲۲۰.

۱۱- معلوم نیست نسبت «زجاجی» برای این ادیب متکلم، به مناسبت قصر الرتانه شهر واسط بوده است و بنا به جهت فرزندشدگی زجاج (م) انار؛ زیرا بنا به گفته ابو سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور سمنانی - متوفایه سال ۵۶۲ هـ - زجاج به قسم الزاء و تشدید میم و در

از او معلوماتی بیاموزد، به آنچه در کتب آنان بود خبر داد و از این رو معتقد بود که قرآن وحی و از جانب خداست.^۸ البته زجاج به بلاغت قرآن و به ترکیبات هنری آن که دست هنر آفرین بشری از آن عاجز است کمتر توجه داشت؛ زیرا او در اصل عالم نحو بود و نه عالم بلاغت.

ابو عبدالله محمد بن یزید واسطی - متوفای سال ۲۰۶ هجری - در باب اعجاز قرآن کتابی نوشته که هم اکنون در دست نیست و به اعتقاد استاد مصطفی صادق الرفاعی، کتاب اعجاز قرآن واسطی، نخستین کتابی است که مستقلاً درباره اعجاز قرآن نوشته شده است.^۹

عبدالقاهر جرجانی بر کتاب واسطی دو شرح مبسوط و مختصر نوشته و شرح مبسوط را المعتمد نامیده است. همان گونه که اشاره شد. متأسفانه کتاب واسطی - که از آجله متکلمان است - در دست نیست؛ لیکن ابن الندیم ذیل «ابو عبدالله محمد بن یزید الواسطی» نوشته است: «و له من الکتب، کتاب اعجاز القرآن فی نظم و تألیف»^{۱۰}

حاجی خلیفه هم در صفحه ۱۲۰ از جلد یکم «کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون» ضمن اینکه نام پدر واسطی را «یزید» ثبت کرده و نه «یزید» آورده است که واسطی، کتاب اعجاز القرآن را نوشت و عبدالقاهر جرجانی هم بر آن دو شرح نوشت و شرح کبیر را معتمد نامید.

یکی دیگر از کسانی که در قرن چهارم هجری در باب اعجاز قرآن، بحث کرده، ابوالحسن علی بن عیسی ملقب به رُمّانی^{۱۱} - متوفای سال ۳۸۴ هجری - است. او در رساله معروفش به نام النکت فی اعجاز القرآن که در پاسخ سؤالاتی است که در باب اعجاز قرآن از او شده و او به اختصار پاسخ داده، نوشته است:

یکی از جهات اعجاز قرآن، بلاغت آن است. او بلاغت را به سه درجه اعلی، اذنی و حدی و وسط منقسم ساخته و درجه اعلی را ویژه قرآن دانسته و آن را در حدی معجزه شمرده است و درجه متوسط بلاغت را از این دیگران می داند.^{۱۲}

رُمّانی بر آن است که عبارات قرآنی و آیات کلام ربّانی، همه متلائم است و هماهنگ و متناسب. با اندک تأملی، تفاوت میان کلام ربّانی و گفتار دیگران فهمیده می شود که اعجاز قرآن را در تناسب و هماهنگی و تلازم الفاظ و کلمات می داند.

رُمّانی، بلاغت را در این نمی داند که گوینده بلیغ، مفهوم ذهنی خود را به کسی برساند و یا مفهوم و معنایی را به شنونده ای تفهیم کند؛ بلکه بلاغت را رساندن معنا به قلب شنونده می داند در نیکوترین لفظی و نمونه عالی ترین نوع بلاغت را هم قرآن مجید دانسته است:

«و اما البلاغة ایصال المعنى الى القلب فى احسن صورة من اللفظ، فاعلاها طبقة فى الحسن بلاغة القرآن و اعلى طبقات البلاغة للقرآن خاصة»^{۱۳}

او می گوید قرآن مجید معجزه است؛ به علت داشتن الفاظ شیوا و اسلوب استوار و نظم شگفت آور و تأثیر آن در اذهان و نفوس.

«... إن القرآن معجز بالفاظه و أسلوبه و نظمه و اثره فى النفوس»^{۱۴}

خطّابی - متوفای سال ۳۸۸ هجری - که از متکلمان قرن چهارم هجری است، در رساله «بیان اعجاز القرآن نوشته است: «و زعم آخرون ان اعجازه من جهة البلاغة، و هم الاکثرون من علماء اهل النظر»^{۱۵} او وجوه مختلف اعجاز قرآن را باز گفته و سرانجام عقیده اکثریت را مبنی بر اینکه اعجاز قرآن در بلاغت آن است، پذیرفته؛ آن هم، بلاغت فائحه ای که تبیین و تشریح آن کاملاً برای ما میسر نیست؛ زیرا نظیره گویی بدان ناممکن است؛ چون آیات قرآنی هم از لحاظ الفاظ استوار است و محکم و هم از جهت معنا در

بردارنده مفاهیم عالی است.

به عبارت دیگر، این کتاب آسمانی، زیبایی لفظی و حسن نظم و معانی عالی را با هم دارد؛ زیرا گفتار خدای علیم قادر است.

خطّابی که اعجاز قرآن را در بلاغت آن دانسته، افزوده است که این بلاغت با کلام دیگر فصحا و بلغا مباین و متفاوت است. او این تفاوت را در تأثیر آیات و اثر گذاری آنها در نفوس و قلوب دانسته و بر آن است که نمی توان کلام منظوم و یا مثنوی دیگری را جست که همچون قرآن در اذهان و نفوس اثر بگذارد.^{۱۶}

«لأنزلنا هذا القرآن على جيل لرائية خاشعا مُتصدعا من خشية الله...» (سوره حشر: ۲۱)

خلاصه اینکه، خطّابی، اعجاز قرآن را در زیبایی کلمات و نظم آنها از لحاظ ترکیب و در برداشتن معانی عالی دانسته و گفته است:

«و اعلم ان القرآن، اما صابر معجزاً لانه جاء بافصح الالفاظ فى احسن نظوم التألیف، متضمناً اصح المعانى...»^{۱۷}

و این همان سخنی است که باقلانی - متوفای سال ۴۰۳ هجری - در کتاب اعجاز القرآن خود ابراز داشته و، یکی از وجوه اعجاز قرآن را در نظم بدیع و ترکیب زیبای آن دانسته است. البته نظم بدیع متضمن اعجاز، از چند جهت می تواند باشد

سخن باقلانی در اعجاز القرآن چنین است: «انه بدیع النظم، عجیب التألیف، متناه فى البلاغة الى الحد الذى يُعلم عجز الخلق عنه»^{۱۸} باقلانی، همچون جاحظ عقیده دارد که اعجاز قرآن در نظم و اسلوب شگفت آور آن است که با اسلوب و روش خاص کلام مثنوی و منظوم عرب مباین است.

باقلانی بر آن است که بلاغت در تمام آیات قرآنی وجود دارد و مانند گفتار دیگر فصحا نیست که در مواردی فصیح باشد و در مواردی دیگر غیر فصیح.

شیخ مفید - متوفای سال ۴۱۳ هجری - بر آن است که قرآن عالی ترین معجزه پیامبر اکرم است و دلیل معجزه بودن آن این است که با وجود مبارزطلبی پیامبر اکرم، اعراب نتوانستند چیزی بیابند که در فصاحت و بلاغت باقر آن برابری کند.^{۱۹}

درباره اینکه چرا اعراب نتوانستند به قرآن نظیره گویی کنند، اختلاف نظر وجود دارد، برخی می گویند به سبب بی نظیر بودن خود قرآن بوده و گروهی گویند: خدا کسانی را که امکان داشته به چنین مسابقه ای دست بزنند از این کار منصرف می کرده است. نظام گفته است: اگر خدا سبب ایجاد ناتوانی در مردمان نشود، می توانند مثل آن فراهم آورند.^{۲۰}

قاضی عبدالجبار - متوفای سال ۴۱۵ هجری - در مجلد شانزدهم کتاب المعنی فی ابواب التوحید و العدل که حدود بیست جلد است و جلد شانزدهم آن، درباره اعجاز قرآن، و جداگانه در مطبوعه دار الکتب المصریه چاپ شده، بحث مشبعی درباره اعجاز قرآن کرده و قرآن را از آن جهت معجزه دانسته است که در مرتبه اعلا فصاحت است و فصاحت آن. بجز فصاحت متداول معهود میان اعراب می باشد؛ یعنی قرآن از نظم خاص خارج از نظم متداول معهود برخوردار است.^{۲۱}

ابن سنان خفاجی - متوفای سال ۴۶۶ هجری - در کتاب سیر الفصاحة نوشته است: عبارات قرآنی و آیات کلام ربّانی، همه متلائم و هماهنگ و متناسب و متلائم در مرتبه علیاست و با اندک تأملی، تفاوت میان گفتار خدایی و گفتار دیگران درک می شود و نتیجه گیری می شود که اعجاز قرآن در تناسب و هماهنگی و تلازم الفاظ و کلمات است.^{۲۲}

عبدالقاهر جرجانی - متوفای سال ۴۷۱ هجری - که در فرهنگ اسلامی به امام بلاغت معروف است بجز دو کتاب دلائل الاعجاز و

آخر آن تون بعد الف، نسبت به رُمان و فروش آن است. در واسط هم قصر معروفی است که به آن «قصر الرمان» گویند. الاسباب، سمعانی، تصحیح و تعلیق از: شیخ عبدالرحمان بن یحیی المعلمی البانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۶ هـ، ج ۶، ص ۱۶۵.

۱۲- رُك: ثلاث رسائل فى اعجاز القرآن، للرتبانی و الخطّابى و عبدالقاهر جرجانى، و تحقیق و تعلیق از: محمد خلف الله - دكتور محترم دغزلور الطیمة الشانبة، دارالمعارف مصر، ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۸ م، ص ۷۵.

۱۳- همان، ص ۷۵.

۱۴- همان، ص ۲۲.

۱۵- همان، ص ۲۴.

۱۶- همان، ص ۲۵.

۱۷- همان، ص ۲۷.

۱۸- ابوبکر محمد بن الطیب الباقلائی، اعجاز القرآن، تحقیق از: السيد احمد صفّر الطیبة الثالثة، دارالمعارف بمصر، بی تا، ص ۳۵.

۱۹- علامه بزرگوار، صدر در صفحه ۱۲ کتاب تأسیس الشیعه شیخ مفید را عالی می نظیر دانسته و ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۸۶، تاودیت تألیف ده شیخ مفید نسبت داده است. فاضل محترم آقای سید هاشم رسولی محلاتی در صفحه سی و پنج مقدمه الاشارة اعمیّت شیخ مفید را در آن دانسته اند که برای آشنا ساختن شیعه به روش استدلالی سایر فرق اسلامی، زحمات زیادی متحمل شده و طریقه استنباط و استخراج احکام را از روی آئله شرعیته به شاگردان خویش آموخته است.

مرحوم میرزا محمد علی مدنی در صفحات ۳۶۴ و ۳۶۵ از جلد پنجم کتاب ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکفیه و اللقب، چاپ دوم، تبریز نوشته است که شیخ مفید که در سال ۴۱۳ هجری قمری در بغداد وفات یافته، دانشمند بزرگوارى چون سید مرتضی علم الهدی بر جنازه اش نماز خوانده و هشتاد هزار نفر شیعه در نماز و تشییع جنازه اش حاضر بوده اند. سید مرتضی و مهیار دبلمی در سرشته او قصاید غزالی گفته اند. دکتر ابو الفتح حکیمیان در فهرست مشاهیر ایران، مجلد دوم در صفحه ۱۰۵ یکصد و شصت و یک کتاب و رساله، برای شیخ مفید بر



شمرده است و در ردیف ۴۸ یکی از آثار شیخ را جوابات او دربارهٔ اعجاز القرآن دانسته است.

۲۰- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: اندیشه های کلامی شیخ مفید از سارترین مکرر موت، ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۱۸.

۲۱- رك: فاضل ابوالحسن عبدالجبار آمد آبادی، المثنی فی ابواب التوحید و العدل، الجزء السادس عشر، اعجاز القرآن، الطبعة الأولى، شعبان ۱۳۸۰ هـ - دسامبر ۱۹۶۰ م، مطبعة دار الكتب، ص ۳۱۸.

۲۲- ابو محمد عبدالله بن محمد بن سعید بن مسان الخفاجی، سر الفصاحة، شرح و تصحیح از: عبدالمتعال الصمیدی، ۱۳۸۹ هـ - ۱۹۶۹ م، مکتبه و مطبعة محمد علی شیب و اولاده، مصر، ص ۸۸.

۲۳- در این آیه ۳ دستور اثباتی و ۳ دستور منفی، برای مسلمانان وجود دارد و بنا به نوشته ابو السعود (متوفای سال ۹۵۱ هجری) در تفسیر ۹ جلدی اش که در ۵ مجلد، چاپ شده، از قول ابن مسعود نقل کرده است: «هن اجمع آیه فی القرآن للخیر و الشر و لو لم یکن فی غیر هذه الآیه الکریمه لکفّت فی کونه نبیانا لکل شیء و هدی». رك: تفسیر ابی السعود، ۹ جلد در ۵ مجلد، جزء پنجم، ص ۱۲۶.

۲۴- رك: مجموعه ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۱۲۵ [= الرسالة الشافیة فی الاعجاز]

۲۵- رك: امام عبدالقاهر جرجانی، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، تحقیق و تعلیق از: السید محمد رشیدرضا، مکتبه القاہره، ۱۳۸۱ هـ - ۱۹۶۱ م، صص ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶.

۲۶- یحیی بن حمزة بن علی بن ابراهیم العلوی، الطراز المتضمن لأسرار البلاغة و علوم حقائق الاعجاز، چاپ مصر، ۱۳۳۲ هـ - ۱۹۱۴ م، ج ۳، ص ۴۰۴.

۲۷- حافظ جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، الإقتان فی علوم القرآن، تحقیق از: محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره، الطبعة الأولى، ۱۳۸۷ هـ، مکتبه و مطبعة المشهد الحسینی، چهار جلد در ۲ مجلد، ج ۲، صص ۱۲-۱۵.

دارد ۲۵.

یحیی بن حمزة علوی - متوفای سال ۷۴۹ هجری - در جلد سوم کتاب الطراز المتضمن لأسرار البلاغة و علوم حقائق الاعجاز وجوه گوناگون اعجاز قرآن را نوشته و سرانجام وجه راجح و مذهب مختار را چنین بیان کرده و در اعجاز کلام حق سه ویژگی باز گفته است:

۱- الفاظ آن فصاحت دارد و از تعقید خالی است و بر زبان ثقیل نیست و «... خفیفة علی الألسنة تجری علیها کأنها السلسال، رقة و صفاء و عذوبة و حلالة»^{۲۶}

۲- در معانی آن بلاغت است و مشتمل است بر انواع اوامر و نواهی و محاسین مواضع.

۳- «جودة النظم و حسن السیاق» در آن دیده می شود.

جلال الدین سیوطی - متوفای سال ۹۱۱ هجری - در کتاب الإقتان فی علوم القرآن اعتقاد دارد که آیات قرآنی هم از لحاظ لفظ در غایت استواری است و هم از جهت ترکیب در نهایت خوبی، و هم عالی ترین معانی را در بر دارد.

سخن سیوطی چنین است:

«و اذا ما تلیت القرآن وجدت هذه الامور منه فی غاية الشرف و الفضیلة؛ حتی لاتری شیء من الالفاظ أفصح و لا أجزل و لا اعذب من الفاظه، و لاتری نظماً أحسن تألیفاً و أشد تلاؤماً و تشاکلاً من نظمه، و اما معانیه فکل ذی لبّ یشهد له بالتقدم فی ابوابه و الترقی الی اعلی درجاته»^{۲۷}

اسرار البلاغة رساله ای هم در باب اعجاز قرآن به اسم الرسالة الشافیة فی الاعجاز نوشته که در مجموعه ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن چاپ شده است. او در این رساله، برخی از جنبه های اعجاز قرآن را باز گفته و نمونه هایی از تأثیر آیات قرآنی را در نفوس و اذهان بیان کرده است.

او نوشته است: پس از آنکه پیامبر اکرم آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ آتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ یَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ یُبْغِیْ یُعْظِمُ لَكُمْ تِلْكَ الْأُمَّةَ»^{۲۸} (سوره نحل: ۹۰) را برای ولیدبن عقبه خواند چنان در ولید تأثیر کرد که گفت: «وَاللَّهِ لَآ لَهَ لِحَلَاوَةٌ وَ أَنَّ عَلَیْهِ لَطَلَاوَةٌ... وَ مَا یَقُولُ هَذَا بَشَرًا»

سر انجام عبدالقاهر، پس از ذکر چند داستان در باب تأثیر آیات قرآنی در معاندان و عربهای صدر اسلام، چنین نتیجه گرفته است: اگر مشرکان و معاندان، پس از شنیدن آیات قرآنی و اندیشیدن، تعصب و عناد را کنار می گذاشتند به این نتیجه می رسیدند که آیات قرآنی، گفتاری است آسمانی و فوق گفتار بشری و معجزه می باشد.^{۲۹}

عبدالقاهر جرجانی در کتاب «دلائل الاعجاز» خود در این باره بحث کرده و نوشته است:

اعجاز قرآن و بلاغت آن، از این جهت نیست که در قرآن، استعاره و دیگر فنون بدیعی و بیانی وجود دارد؛ بلکه بلاغت قرآن به تناسب الفاظ و تلاؤم معانی بستگی دارد و درک این بلاغت در اشخاص، متفاوت است و نیاز به ذوق و احساس درونی و روحی

